



صدرالدین زنجانی؛ شاعر رباعی سرای قرن هفتم

حسن حسینعلی^۱

چکیده:

با کشف نسخه‌ی خطی منحصر به فرد «نزهةالمجالس» تألیف «جمال خلیل شروانی» اثری از قرن هفتم هجری قمری و معرفی آن در مقالات و آثار پژوهشی مختلف ادبی، بار اول «سعید نفیسی» بود که در جلد اول کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری»، «صدر زنگانی» را جزء شاعران قرن هفتم معرفی کرد. پس از آن نیز نویسندگان دیگری به اشعار این شاعر پرداختند با این حال در هیچ کدام از نوشته‌های فوق در خصوص هویت وی، بحثی نشده است.

این مقاله به بررسی هویت «صدر زنگانی» پرداخته و نتیجه می‌گیرد که وی همان «صدرجهان زنجانی» است.

واژگان کلیدی:

صدرالدین زنجانی، رباعی، شاعران زنگان، «نزهةالمجالس»، «خلاصةالأشعار فی الرباعیات»



مقدمه:

«صدرالدین زنجانی»، اگر همان «صدر جهان زنجانی» وزیر دوره‌ی ایلخانی باشد، علی‌رغم اشتغال به کارهای دیوانی و وزارت در دربار ایلخانان، گاهی هم به سرودن اشعار می‌پرداخت. از وی فعلاً پانزده رباعی به دست آمده و با توجه به این که از سه شاعر معاصر وی تنها یک رباعی از هر کدام به دست آمده است و از طرفی رباعی‌های دو تن از آن‌ها به شاعران دیگری نیز منسوب است، بنابراین شاعر مورد نظر ما به دلیل باقی ماندن تعداد بیشتری از رباعیاتش، باید «پیشاهنگ رباعی در زنجان» معرفی شود و در صورت قبول این نکته که وی می‌تواند همان «صدرجهان زنجانی» باشد، پس شرح حال وی چندین بار توسط محققان فاضل همشهریمان منتشر شده است، در اینجا فقط هدف این است که اولاً بررسی شود آیا «صدر زنگانی» مذکور در «نزهة‌المجالس»، همان «صدرجهان زنجانی» است یا خیر؟ و در ثانی رباعیات پانزده‌گانه‌ی وی که یکی از آن‌ها به شاعران دیگری هم منسوب است، آورده شود.

علاوه بر منابع تاریخی و ادبی زیادی که از قرن هفتم هجری به بعد و به صورت جسته و گریخته، شرح حال «صدرالدین زنجانی وزیر» را آورده‌اند، همان‌گونه که در سطور قبلی گفته آمد، تعدادی از محققان معاصر شهرمان نیز به پژوهش در احوال و آثار وی پرداخته‌اند که خوشبختانه می‌توان همه‌ی این نوشته‌ها را مکمل همدیگر دانست و در سطور بعدی این مقاله، پژوهش‌های مذکور که یا به صورت مقاله و یا فصلی از یک کتاب می‌باشند، برای خوانندگان معرفی خواهد شد. (۱)

صدرهای زنجان

برای شناخت بهتر «صدر زنگانی» مذکور در کتاب «نزهة‌المجالس»، اول باید در نظر داشت که از رجال زنجانی چه کسانی در طول تاریخ دارای لقب «صدر» بوده‌اند و همچنین کدام یک از این «صدر»‌های زنجانی می‌تواند شاعر مورد بحث ما باشد؟ بنابراین در ابتدا به ذکر رجالی می‌پردازیم که اهل «زنجان» بوده و از آن‌ها با نام و لقب «صدر» یاد شده است:

زین‌الدین زنجانی: «سعدالدین وراوینی» در مقدمه‌ی «مرزبان‌نامه» وقتی که نامی از کتاب «ذرة‌الشارق» اثر «زین‌الدین زنجانی» می‌برد، به نقل از «صدرالدین عبداللطیف خجندی»، وی را «صدر زنجان» می‌شناساند. (۲) هر چند که «زین‌الدین زنجانی» خود ادیب و شاعر و وزیر دوره‌ی



سلجوقی بود، اما نمی‌تواند شاعر مورد نظر ما باشد، چرا که لقب «صدر» رسماً برای «زین‌الدین» کاربرد نداشت بلکه صرفاً برای تعارف و احترام در نامه‌ی «صدرالدین عبداللطیف خجندی» به کار رفته است و در منابع دیگر این لقب برای وی استفاده نشده است.

کمال‌الدین ابوشجاع زنجانی: در بخش‌های مختلف کتاب «تاریخ‌الوزراء» یا «ذیل نفضة‌المصدر» اثر «نجم‌الدین ابوالرجای قمی»، از این وزیر اواخر عصر سلجوقی و معاصر «زین‌الدین زنجانی» مذکور، «کمال‌الدین صدرالاسلام زنجانی» یاد شده است. لقب «صدرالاسلام» از القاب اصلی وی نیست و نمی‌تواند به عنوان تخلص شعری وی مورد استفاده قرار گیرد. پس وی نیز شاعر مورد بحث ما نیست. در ضمن وی را نباید با «کمال‌الدین زنجانی شاعر» که از وی در سطور آتی سخن رفته و دیگر «کمال‌الدین»‌های اهل «زنگان» اشتباه نمود. (۳)

صدرالدین احمد خالدی زنجانی: او که در حقیقت می‌تواند شاعر مورد نظر ما باشد، وزیر معروف دوره‌ی ایلخانان محسوب می‌شود که درباره‌ی وی، در بخش‌های بعدی مقاله بیشتر سخن خواهیم گفت.

صدر زنجانی خطاط: وی از خوشنویسان قرن دهم هجری است و با توجه به متأخر بودنش نسبت به تاریخ تألیف «نزهة‌المجالس»، نمی‌تواند شاعر مورد نظر ما باشد. (۴)

البته نمی‌توانیم ادعا کنیم که رجال مذکور همه‌ی «صدر»‌های زنگان در دوران کهن باشند و همچنین ما در دوره‌ی قاجاریه و معاصر هم افرادی با نام و لقب «صدر» داشتیم که «زنجانی» محسوب می‌شدند که در اینجا نیاز به ذکر همه‌ی آن‌ها نمی‌باشد، از آن جمله می‌توان به «صدرالدین ریاحی» و خاندان «نایب‌الصدر»‌ها اشاره کرد.

معرفی پژوهش‌های انجام شده در خصوص «صدرالدین زنجانی» وزیر یا «صدرجهان زنجانی»:

بار نخست در سال ۱۳۸۱ ه.ش مقاله‌ای از «رامین سلطانی» با عنوان «صدرالدین احمد خالدی زنجانی (صدرجهان)» در فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان» در سیزده صفحه منتشر شده و همین مقاله با ویرایش و اصلاحات اندک با عنوان «صدرجهان» جزو فصل چهارم کتاب ایشان با عنوان «جُستارهایی در تاریخ زنگان» به سال ۱۳۸۹ ه.ش و در پانزده صفحه چاپ شد. (۵)

دومین بار دکتر «حیدر حسنیلو» در مقاله‌ی خود با عنوان «صدرالدین احمد خالدی زنجانی (صدر



جهان)» به سال ۱۳۸۳ ه.ش در همان فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنجان» زندگانی وی را، در سیزده صفحه شرح داده است. (۶)

مرحوم «کریم نیرومند» سومین بار در کتاب خویش یعنی «شرح زندگانی دانشمندان و روات - رجال لشگری و کشوری استان زنجان» و در بخش دوم اثرش، سی‌وپنج صفحه را به معرفی «صدرالدین احمد بن عبدالرزاق خالدی زنگانی ملقب به صدر جهان» اختصاص داده است. هر چند این کتاب در سال ۱۳۸۵ ه.ش منتشر شده است، اما نوشتار آقای نیرومند با توجه به سوابق کاری آن مرحوم از نظر زمانی می‌تواند مقدم بر دو مقاله‌ی قبلی باشد و نگارنده به دلیل این که کتاب مذکور متأخرتر از دو مقاله‌ی قبلی به چاپ رسیده است، آن را به عنوان سومین تحقیق معرفی کرد. (۷)

بار چهارم از آقای «علی محمودی» ابتدا در یکی از شماره‌های فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنجان» مقاله‌ای با عنوان «صدر جهان زنجانی مؤسس چاپ اسکناس در ایران» در سال ۱۳۸۷ ه.ش و در ده صفحه منتشر شد. (۸) و این مقاله بخشی از فصل چهارم پایان‌نامه‌ی ایشان بود که در سال ۱۳۸۹ ه.ش به صورت کتاب با عنوان «وزارت در عهد ایلخانان با تأکید بر وزارت صدرجهان زنجانی» چاپ شد، فصل مورد اشاره از کتاب ایشان با عنوان «صدرالدین احمد خالدی زنجانی، صدر جهان» و در هشتاد و شش صفحه می‌باشد. (۹)

و در نهایت آقای «بهمن خطیبی» فصل دوم کتاب خویش یعنی «تاریخ خاندان خطیبی زنجان» را به شرح زندگانی «صدرالدین احمد بن عبدالرزاق خالدی زنجانی» و نواده‌ی او در چهل و هشت صفحه اختصاص داده است. این کتاب هم در سال ۱۳۹۱ ه.ش منتشر شده است. (۱۰)

پیشینه‌ی معرفی «صدر زنگانی» به عنوان شاعر

با کشف نسخه‌ی خطی منحصر به فرد «نزهة‌المجالس» تألیف «جمال خلیل شروانی» اثری از قرن هفتم هجری قمری و معرفی آن اثر در مقالات و آثار پژوهشی مختلف ادبی، از سوی افرادی چون «هلموت ریتتر» و ... بار اول مرحوم «سعید نفیسی» بود که در جلد اول کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری»، «صدر زنگانی» را جزء شاعران قرن هفتم معرفی کرد. (۱۱) و پس از وی کتابشناس نامی، مرحوم «محمدتقی دانش‌پژوه» نیز در ماهنامه‌ی «راهنمای کتاب» در سال ۱۳۵۱ ه.ش در یادداشتی با عنوان «نزهة‌المجالس» (۱۲) و



سپس مرحوم دکتر «محمدامین ریاحی» در مقدمه‌ی خود بر متن چاپی «نزهة‌المجالس» در سال ۱۳۶۶ ه.ش نامی از وی برده‌اند. (۱۳) در «زنجان» نیز شادروان «کریم زعفری» در هفته‌نامه‌ی «پیام زنجان» به سال ۱۳۷۴ ه.ش نوشته‌ای درباره‌ی «صدر زنگانی» و رباعیات پانزده‌گانه‌اش منتشر کرده است. (۱۴) و پس از وی در سال ۱۳۸۰ ه.ش دکتر «سعیدرضا بیات» در مقاله‌ای با عنوان «شمس سجاسی، گنجینه‌ای در پس غبار سده‌ها» نامی از وی برده است. (۱۵) «سید علی میرافضلی» نیز در سال ۱۳۸۲ ه.ش مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی رباعیات دو مجموعه‌ی کهن، نزهة‌المجالس جمال خلیل شروانی و خلاصة‌الأشعار ابوالمجد تبریزی» ضمن بررسی دو اثر اشاره‌ای نیز به نام و رباعی پانزدهم «صدر زنگانی» داشته و انتساب آن به «عبدالواسع جبلی» را بررسی کرده است. (۱۶) «سید محمد عمادی حائری» به سال ۱۳۸۴ ه.ش در مقدمه‌ی خود بر متن چاپی «خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» صرفاً اشاره‌ای به نام «صدرالدین زنجانی» کرده است. (۱۷) همین اثر مجدداً توسط «عزیز دولت‌آبادی» در سال ۱۳۸۷ ه.ش تصحیح و منتشر شده و ایشان نیز در مقدمه‌ی خود و بخش «گویندگان خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» نام شاعر ما را در ردیف شماره ۶۴ معرفی کرده و او را از شاعران سده‌ی هفتم معرفی کرده است. (۱۸) پس از آن «سعیدرضا بیات» دوباره در سال ۱۳۹۲ ه.ش در نوشتاری با نام «زنجان در یک نگاه» در نشریه‌ی «کتابه» فقط نامی از وی در کنار دیگر شاعران استان «زنجان» به نقل از «نزهة‌المجالس» برده است. (۱۹) در نهایت «مهدی قمی‌نژاد» در کتاب «نمایه‌ی سفینه‌ی تبریز» نام وی را به در جزو فهرست‌ها آورده، اما نسبتش را به جای «زنگانی» به غلط «زنکالی» درج کرده و این اشتباه ناشی از ضبط ناخوانای نسخه‌ی خطی است. (۲۰) با این حال در هیچ کدام از نوشته‌های فوق در خصوص هویت وی، بحثی نشده است. فقط مرحوم «محمدامین ریاحی» او را از شاعران قرن گذشته‌ی «زنجان» می‌داند و مرحوم «کریم زعفری» نیز او را جدا از «صدر جهان زنجانی» و متعلق به اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌داند و «عزیز دولت‌آبادی» هم چنان که اشاره شد، او را از شاعران قرن هفتم می‌داند که برای این نظر خودشان دلیلی هم ذکر نکرده‌اند. نگارنده‌ی این سطور که با نام «نزهة‌المجالس» از طریق مقدمه‌ی مرحوم «محمدعلی فروغی» بر «رباعیات خیام» آشنا شده بود، آشنایی خویش از رباعیات «صدر زنگانی» را مدیون مقاله‌ی زنده‌یاد «کریم زعفری» در هفته‌نامه‌ی «پیام زنجان» بوده و سرانجام در سال ۱۳۷۵ ه.ش بود که چاپ دوم «نزهة‌المجالس» وارد بازار کتاب شده و به دستم رسید و تا سال ۱۳۸۱ ه.ش «نزهة‌المجالس»



تنها منبعی بود که اشاره به رباعیات شاعر ما داشت. در سال مذکور بود که با چاپ عکسی کتاب نفیس و منحصر به فرد «سفینه‌ی تبریز»، یکی از رباعی‌های پانزده‌گانه‌ی «صدر زنگانی» را در رساله‌ی «خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات» (جزء همان سفینه) تدوین «ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی»، که کاتب کل آن سفینه نیز بوده، مشاهده کردم. این رساله پس از چاپ عکسی همان طور که اشاره شد، به صورت حروفی در سال ۱۳۸۴ ه.ش در شماره‌ی دوم مجموعه‌ی «گنجینه‌ی بهارستان» از ادبیات فارسی به همت «سید محمد عمادی حائری» و بار دیگر در سال ۱۳۸۷ ه.ش به همراه «دیوان ملک محمود تبریزی» توسط «عزیز دولت‌آبادی» تصحیح و منتشر شد. (۲۱)

دلایلی که احتمال یکی بودن این «صدر زنگانی» مذکور در «نزهة‌المجالس» و «خلاصه‌الأشعار

فی الرباعیات» با «صدر جهان زنجانی» را فراهم می‌کند، موارد ذیل است:

اولاً؛ از پانزده رباعی به دست آمده از وی، چهارده رباعی از آن‌ها، «رباعی خصی» است که به آن دسته از رباعیات گفته می‌شود که مصراع سوم آن با مصراع‌های اول و دوم و چهارم هم‌قافیه نیست. بر اساس پژوهش‌های اخیر، از قرن هفتم به بعد، غلبه با رباعی‌های خصی است و رباعی‌هایی که هر چهار مصراع آن هم‌قافیه باشند، در این قرن بسیار اندک است و جالب آن که تنها یک رباعی چهار قافیه‌ای «صدر زنجانی» هم به دو شاعر قبل از خود منسوب است که در این خصوص در سطور بعدی بحث شده است. بنابراین وی جزء شاعران قرن هفتم است.

ثانیاً؛ از تخلص شاعر یعنی «صدر» معلوم است که این عنوان همانند تخلص بسیاری از شاعران آن روزگار از لقب دینی آنان گرفته شده است برای این مورد دو دلیل وجود دارد: یکی اشاره‌ی صریح مؤلف «خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات»، به لقب دینی شاعر با پسوند «الدین» یعنی به صورت «صدرالدین زنگانی» و دیگر آن که در همان «نزهة‌المجالس» تخلص رجال دیگری چون «صدر خجندی» و «صدر لر بختیاری» و «صدر خوارزمی» و «صدر کرمانی» آمده که لقب دینی دو نفر اول آنان در منابع «صدرالدین» می‌باشد و دو نفر بقیه شناخته نشده‌اند. با توجه به این که پیشه‌ی اصلی هیچ یک از این «صدر»‌های شناخته شده شاعری نبود و یا اصلاً تخلص رسمی نداشتند، چه بسا صاحب «نزهة‌المجالس» با حذف پسوند «الدین»؛ لقب مذکور را همانند نمونه‌های دیگر آورده است. (۲۲)

ثالثاً؛ باید دید که آیا «صدرالدین احمد خالدی» وزیر، غیر از رباعیات به دست آمده، در قالب‌های دیگر نیز شعر سروده است؟ متأسفانه تنها اطلاعی در این خصوص داریم، اشاره‌ی



«ناصرالدین منشی کرمانی» مؤلف «نسائم الأسحار من لطائم الأخبار» به شاعری «صدرالدین» است. (۲۳) همچنین این نکته را نباید از یاد ببریم که آثار ادبی و علمی چندی هم به فارسی به نام این وزیر تدوین و به وی تقدیم شده است. (۲۴)

رابعاً؛ علاوه بر شاعران رسمی که حرفه‌ی اصلی آنان شاعری بود، رباعی‌های کثیری هم به سلاطین و رجال علمی و کشوری و لشگری و صوفیان و عرفا و فقها منسوب است که از این میان سهمی نیز به وزیران اختصاص دارد. اصولاً قالب رباعی به عنوان بهترین نوع شعر برای بیان مسائل روزمره و احساس شاعرانه‌ی رجال علمی و سیاسی و ... است و از معدود قالب‌های شعری در ادبیات فارسی است و مورد استقبال کسانی قرار گرفته که حرفه‌ی اصلی آن‌ها شاعری نبوده است. به خصوص در تاریخ ادبیات ایران به وزیران مشهور، رباعی‌هایی در موضوعات مختلف منسوب است. (۲۵)

دلیل پنجم این که مخاطب دو رباعی از «صدر زنگانی»، پادشاه است و این گونه خطاب بی‌باکانه از ناحیه‌ی وزیر می‌تواند باشد. (۲۶)

شاید مهم‌ترین دلیل عدم شناخت و یکی ندانستن شخصیت‌های «صدرالدین زنجانی شاعر» و «صدرالدین زنجانی وزیر» از سوی محققینی چون «سعید نفیسی» و «محمدتقی دانش‌پژوه» و «محمدامین ریاحی»، مسأله‌ی تاریخ تألیف کتاب «نزهة المجالس» است و شاید اصلاً هم متوجه این قضیه نشده‌اند و مرحوم «کریم زعفری» هم که قطعاً با استدلال به همین مسأله‌ی تاریخ تألیف «نزهة المجالس»، به صراحت؛ به یکی نبودن این دو تن اذعان کرده و وی را شاعر اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم دانسته است. (۲۷) بر اساس استدلال مرحوم دکتر «محمدامین ریاحی» این کتاب در بین سال‌های ۶۲۲ الی ۶۴۹ هجری قمری یعنی دوران حاکمیت «علاءالدین شروانشاه، فریبرز سوم پسر گرشاسب»، امیر «شروان»، تدوین شده است.

در پاسخ باید گفت تاریخ تألیف اعلام شده هیچ گونه منافاتی با آوردن رباعیات «صدرجهان» نمی‌تواند داشته باشد. اولاً؛ تاریخ تألیف اثر یاد شده می‌تواند مقارن با دوران جوانی این وزیر باشد ولی این احتمال بسیار ضعیف است که «جمال خلیل شروانی»، مؤلف «نزهة المجالس» خود شخصاً و در نیمه‌ی اول قرن هفتم از «صدرالدین زنجانی»، رباعی‌هایی بیاورد مگر این که شاعر ما در دوران جوانی به آن حدّ از شهرت رسیده باشد. احتمال دوم این است که یا بعداً خود مؤلف در این کتاب اصلاحات و اضافاتی به عمل آورده است و یا نسخ کتاب یعنی «اسماعیل بن اسفندیار



بن محمد بن اسفندیار ابهری» و شاید هم کاتبانی دیگر، رباعی‌هایی از رجال و شاعرانی که تاریخ وفات آن‌ها در نیمه‌ی دوم قرن هفتم هجری قمری است، به آن افزوده‌اند که این احتمال بسیار قوی‌تر است. این اشخاص بنا به نقل مصحح کتاب عبارتند از: «سلیمان‌شاه ایوه‌ای»، «فخرالدین مراغه‌ای»، «اثیرالدین اومانی»، «رفیع‌الدین بکرانی ابهری»، «قطب‌الدین عتیقی»، «شمس‌الدین جوینی» و «فخرالدین مستوفی» که تاریخ وفات فرد اخیرالذکر هشت سال قبل از «صدر جهان زنجانی» است. (۲۸) وجود یک شاعر زنجانی و یک شاعر ابهری در میان رجال مذکور، احتمال افزوده شدن این رباعی‌ها توسط نسّاخ و کاتب ابهری در سال ۷۳۱ هجری قمری (تاریخ استنساخ) را قوی‌تر می‌سازد و اگر چنین باشد، از نظر زمانی کتاب «خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات» که در سال ۷۲۱ هجری قمری تدوین و استنساخ شده است، در خصوص آوردن رباعی از «صدر زنگانی»، ده سال مقدّم بر متن تحریری «تزهة‌المجالس» است. با توجه به دلایل فوق و تا زمانی که خلاف این نظرات به وضوح ثابت شود، ما باید «صدر زنگانی» را همان «صدر جهان زنجانی» قلمداد کنیم. ادّعایی که اولین بار در این مقاله مطرح می‌شود. اما در خصوص لقب «صدرجهان» هم باید گفت که این لقب بعد از به وزارت رسیدن «صدرالدین احمد خالدی زنجانی» از سوی «گیختوخان»، پنجمین ایلخان مغول، به وی اعطاء شد و این را هم بیافزاییم که پیش از وی، این لقب برای بزرگانی چون «صدرالدین عبداللطیف خجندی» و ... اطلاق شده بود. «قطب‌الدین زنجانی» برادر این وزیر نیز در سمت قاضی‌القضاتی کلّ کشور، ملقب به «قطب جهان» شد. حال چون مقالات چندی در خصوص زندگانی و آثار «صدر جهان زنجانی» منتشر شده است در زیر فقط شرح حال کوتاه از زندگانی وی آورده می‌شود:

«صدرالدین احمد بن عبدالرزاق زنجانی» از وزرای دوره‌ی ایلخانی محسوب می‌شود، سال دقیق تولد وی معلوم نیست اما در نیمه‌ی اول قرن هفتم هجری قمری متولّد شده است تا آنجا که اطلاع داریم، وی از سال ۶۷۸ هجری قمری به مقام مشرفی نیز دست یافت. یک سال بعد به عنوان نایب امیر «تغاجار» در ایالت «فارس» بود و در نزد وی تا زمان وزارتش خدمت دیوانی می‌کرد. «صدرالدین زنجانی» سرانجام در سال ۶۹۱ هجری قمری به مقام وزارت «گیختوخان»، (ایلخان پنجم)، دست یافت و ملقب به «صدرجهان» شد و ماجرای چاپ اولین پول کاغذی نیز در همین دوران اتفاق افتاد که با عدم استقبال روبه‌رو گشت و با کشته شدن «گیختاو» به فرمان «بایدو»، در سال ۶۹۵ هجری قمری، «صدرالدین» نیز از مقامش عزل شد و به نیابت «روم» یا



«ترکیه»ی کنونی منصوب شد. با روی کار آمدن «غازان‌خان» وی مجدداً مقام وزارت را تصدی کرد و در نهایت نیز در سال ۶۹۷ هجری قمری به دسیسه‌ی «رشیدالدین فضل‌الله همدانی» کشته شد.

رباعی‌سرایی در «زنجان» پیش از «صدرالدین زنجانی»

درباره‌ی منشاء رباعی بین محققان اختلاف نظر وجود دارد و در خصوص منشاء ترکی یا فارسی و یا عربی رباعی اتفاق نظر وجود ندارد. (۳۹) به «رباعی» در گذشته «دوبیتی» یا «ترانه» و ... نیز می‌گفتند. امروزه اصطلاح «ترانه» یا «دوبیتی» را معادل «فهلویات» کهنی می‌گفتند که شامل دو بیت بود و تفاوت آن‌ها با رباعی تنها در وزن بود. قبل از «صدرالدین زنجانی» نمونه‌ای از رباعیات شاعران زنجانی سراغ نداریم. شاید «زین‌الدین زنجانی» ادیب و وزیر اواخر دوره‌ی سلجوقیان، در رباعی نیز طبع‌آزمایی کرده بود که امروزه اثری از آن‌ها در دسترس نیست. اما در خصوص فهلویات یا دوبیتی، «شمس‌الدین محمد قیس رازی» در کتاب «المُعجم فی معاییر اشعار العجم» در دو فقره، ضمن انتقاد از وزن عروضی فهلویات، از رواج این گونه شعر در میان اهل «زنجان» و «همدان» نیز یاد می‌کند. (۳۰) و یک نمونه فهلوی دوبیتی نیز منتسب به اهالی این دو شهر به عنوان شاهد مثال آورده که این است:

«ار کری خون خواری اج که ترسی و ر کشی مون ساری اج که ترسی
ازینیمه دلی نترسم اج کسخ ای کهان دل ته داری اج که ترسی» (۳۱)

البته فهلویات دیگری نیز در آن کتاب آورده شده که شاید بتوان آن‌ها نیز را جزو شعرهای اهل «همدان» و «زنگان» به شمار آورد. اما با توجه به این که دوبیتی مذکور فوق در منابع متأخرتر با تصرفات و تغییراتی به لهجه‌ی دری نزدیک شده و همچنین به «باباطاهر عریان همدانی» منسوب شده است، نمی‌تواند قطعاً متعلق به یک شاعر زنجانی باشد. این دوبیتی به صورت تغییر یافته در «دیوان باباطاهر» بدین صورت ضبط شده است:

«کُشیمان ار به زاری از که ترسی بُرونی ار به خواری از که ترسی



به این نیمه دل از کس مو نترسم دو عالم دل ته داری از که ترسی». (۳۲)

در قرن هفتم هجری علاوه بر «صدرالدین زنجانی»، به هر کدام از سه شاعر همشهری او یک رباعی منسوب است که در سطور آتی خواهد آمد. (البته در اینجا منظور شاعران صرفاً زنجانی است نه شاعران منتسب به دیگر شهرهای تابعه‌ی استان یعنی سنجاس و سهرورد و ابهر) شاید بتوان گفت که آن رباعی‌ها از نظر تاریخی کمی مقدّم‌تر از رباعیات شاعر مورد بحث ما باشد، اما همان گونه که قبلاً گفته آمد، به دلیل این که از آن شاعران تنها یک رباعی به دست آمده که رباعی دو تن از آن‌ها هم به شاعران دیگری نیز منسوب است، و از طرفی نامی از آن‌ها در «نزهة‌المجالس» و «خلاصة‌الأشعار» نیامده و همچنین اختصاص سهم بیشتر از رباعی‌های به دست آمده به «صدرالدین زنجانی»، باعث شد که ما او را «پیشاهنگ رباعی در زنجان» بدانیم. شاید هم در آینده معلوم شود که این رباعی‌ها متعلق به شاعر دیگری باشد که از زبان وزیری چون او گفته شده و یا به نام او مشهور شده است که البته این امر بعید نیست. در سطور ذیل تک تک رباعی‌های پانزده‌گانه‌ی منسوب به وی آورده می‌شود. باید گفت که ترتیب رباعی‌های مذکور براساس ترتیبی است که در ابواب «نزهة‌المجالس» آمده است.

رباعی نخست

اولین رباعی در باب اول «نزهة‌المجالس» که عنوان آن «در توحید و عرفان» بوده و در نمط سیوم (سوم) آن باب با عنوان «در نصیحت» به شماره‌ی شصت‌وهشت آمده است و البته این رباعی نیز در رساله‌ی «خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» که جزو «سفینه‌ی تبریز» است، بیست‌ودومین رباعی در باب سیّم (سوم) با عنوان «در نصیحت» آورده شده است. رباعی مذکور این است:

«از یارب و ناله، ای شهنشاه، بترس
وی آینه‌ی مملکت، از آه بترس
دل‌های شکستگان، نگه دار به داد
از بهر خدا، ز آه سحرگاه بترس». (۳۳)

رباعی دوم

بلافاصله بعد از رباعی فوق، دومین رباعی به شماره‌ی شصت‌ونهم، با همان ردیف و با قافیه‌ی



متفاوت در «نزهت‌المجالس» آمده است:

«شاه، دل هیچ کس میازار، بترس
وز آه جگرسوختگان، وقت سحر
انفاس شکستگان نگه دار، بترس
زنهار و هزار بار زنهار بترس». (۳۴)

اگر این دو رباعی که در بالا ذکر شد، قطعاً از «صدرالدین زنجانی» باشد، چون خطاب به شاه سروده است و به لحن پند و اندرز گفته شده است، می‌تواند خطاب به یکی از ایلخانان مغول، به خصوص «گیخاتوخان» یا «غازان‌خان» و یا ... باشد. تعدادی از شاعران قبل و بعد از وی، رباعی‌هایی با ردیف «بترس» سروده‌اند که از آن جمله یک رباعی از «سید حسن غزنوی» شاعر قرن ششم هجری قمری می‌آوریم که خطاب به معشوق سروده است و در «نزهت‌المجالس» همین رباعی بدون ذکر گوینده‌ی آن آمده است و آن چنین است:

«از درد دل پُر غمم ای ماه، بترس
در هر نفسی، تعبیه دارم آهی
وی خفته، ز ناله‌ی سحرگاه بترس
ای آینه، می‌گویمت: از آه بترس». (۳۵)

با توجه به تقدّم تاریخی این رباعی «سید حسن غزنوی» بر رباعی اول شاعر ما، می‌توان به این تأثیرپذیری پی برد.

رباعی سوم:

«در عشق، تنم ز موی باریک‌تر است
کار دل من، که زندگانی ز تو داشت
روزم، ز سر زلف تو تاریک‌تر است
دور از تو، کنون به مرگ نزدیک‌تر است». (۳۶)

این رباعی به ردیف ۸۴۲ در باب نهم با عنوان «در دل و احوال آن» آورده شده است. همچنین به صورت مکرر و بدون ذکر گوینده‌ی آن به شماره‌ی ۳۶۳۰ در نمط سوم با نام «در فراق و ایام آن» از باب چهاردهم با عنوان «در فراق» عیناً آمده است. (۳۷)

رباعی چهارم:

«ای دل، ز غمش همیشه پُر آتش باش
تا جان داری، به جان و دل غمکش باش



زنهار، نگویی: غم او چند خورم؟ آخر، نه ز بهر اوست این غم؟ خوش باش». (۳۸)

این رباعی به شماره‌ی ۹۹۷ در باب دهم با عنوان «در غم و ذکر غم و مدح و ذم غم و شکر و شکایت از غم» آمده است.

رباعی پنجم

پنجمین رباعی بلافاصله پس از رباعی چهارم، به ردیف ۹۹۸ در همان باب مذکور آمده است که در ذیل آورده می‌شود:

«دل دامن آن دلبر خونخواره گرفت زنهار از آن شوخ ستمکاره گرفت
سلطان غمش درآمد و شهر دلم دروازه به دروازه، به یکباره گرفت». (۳۹)

رباعی‌های زیادی با ردیف «باش» و «گرفت» توسط شاعران مختلف سروده شده است.

رباعی ششم

در نبط هفتم با عنوان «در تشبیهات خط» از باب یازدهم که عنوانش «در اوصاف و افعال معشوق» است رباعی زیر به شماره‌ی ۱۷۰۹ آمده است:

«آن یار، که بر دلم غم بار نهاد و اندر لب خود، قند به خروار نهاد
تا کس گلی از باغ جمالش نچند از برگ بنفشه، گرد او خار نهاد». (۴۰)

رباعی هفتم

در نبط نهم از همان باب یازدهم آورده شده است. عنوان نبط مذکور «در تشبیهات قد و بالا» است و ردیف رباعی ۱۸۳۰ می‌باشد:

«لاله، که مثال عارض و خدّ تو اوست در باغ غلام حُسن بی‌حدّ تو اوست
سرو ار چه به اصل هست آزاد و لیک امروز، کمینه بنده‌ی قدّ تو اوست». (۴۱)



رباعی هشتم

این رباعی هم در باب یازدهم، اما در نمط هجدهم آن با نام «در آمد و شدِ او» به شماره‌ی ۲۱۷۳ ذکر شده و تنها جایی است که نسبت شاعر ما به جای «زنگانی»؛ «زنجانی» آمده. متن این رباعی چنین است:

«از پیش من ای یار دل افروز، مرو
تا امشبکی دگر بپاییم به هم
اندیشه کن از آه جهانسوز، مرو
از بهر خدای راه، یک امروز مرو». (۴۲)

با این ردیف، اما با قافیه‌ی متفاوت، هم رباعی‌های چندی توسط شاعران دیگر سروده شده است.

رباعی نهم

این رباعی در نمط بیست‌وسوم با عنوان «در سفر و وداع و باز آمدن» از باب یازدهم، به شماره‌ی ۲۳۱۰ ذکر شده است:

«یا رب، که تو در سفر می‌آزار او را
چون کام دل خود ز سفر بردارد
در عصمت خود بدار از آزار، او را
نزدیک من غمزده باز آر او را». (۴۳)

رباعی‌های زیر که از ردیف دهم تا چهاردهم است، در باب سیزدهم که عنوانش «در وصال» است و همگی در نمط اول آن باب آمده است که نام نمط «در وصال و ایام آن» می‌باشد و شماره‌های این پنج رباعی در متن «نزهت‌المجالس» از ۳۱۱۹ الی ۳۱۲۳ می‌باشد. (۴۴)

رباعی دهم:

«با تو غم دل بگفته، یا رب منم این؟
دیدار توأم ز دور حاصل نشدی
بوسیده عقیق سفته، یا رب منم این؟
با تو به نشاط خفته، یا رب منم این؟».



در «نزهةالمجالس» قبل از این رباعی یک رباعی از «انوری»، شاعر قرن ششم هجری، با همین ردیف، اما قافیه‌ی متفاوت، آورده شده است. بنابراین ثابت می‌شود که «صدرالدین» از «انوری» تأثیر پذیرفته است. حال رباعی انتسابی به انوری را در زیر می‌آوریم:

«از هجر به جان بجسته، یا رب منم این؟
وز محنت و غم برسته، یا رب منم این؟
دیدار توأم به خواب ممکن نشدی
با تو به طرب نشست، یا رب منم این؟» (۴۵)

رباعی یازدهم:

«دارم می و نقل و یار دلدار امشب
ای شب، تو شب از دست بمگذار امشب!
ای صبح، مکن گریه‌ی گرمم نزدیک
آن خنده‌ی سرد دور می‌دار امشب!».

یک رباعی با همین قافیه و ردیف در همان «نزهةالمجالس» بدون ذکر قایل آن آورده شده است که آن را در همین جا می‌آوریم:

«ماییم و می مغانه و یار امشب
فارغ ز همه جهان و بر کار امشب
ای عنبرِ شب تو پرده‌داری می‌کن
وی جوهرِ صُبح، دم نگه دار امشب.» (۴۶)

علاوه بر این شاعران زیادی با ردیف «امشب» رباعی سروده‌اند که از آن جمله می‌توان به «مولانا جلال‌الدین» و «فخرالدین علی صفی» اشاره کرد که در اینجا حاجتی به ذکر آن‌ها نمی‌باشد.

رباعی دوازدهم:

«ای دل، چو همای وصل او سایه فکند
از محنت هجران، برهی روزی چند
تا گوش فراق نشنود، هیچ مخند
می‌خوان تو و آن یکاد و می‌سوز سپند».

رباعی سیزدهم:

«گر صبحدمی، باز شدن کردی ساز
تا باز برآیی به شام، ای مایه‌ی ناز



او نیز شود بام و به شام آید باز».

می‌شاید، از آن که تو مه چهاردهی

رباعی چهاردهم:

«امشب منم و وصل رخ یار ای شب
با وعده‌ی خوب و خوش دلدار، ای شب
مگذار که صبح زحمت آرد بر ما
با خنده‌ی سرد خویش، زنهار ای شب».

پیش از «صدرالدین زنجانی»، شاعران دیگری با این قافیه و ردیف رباعی سروده‌اند از آن جمله در همان «نزهة‌المجالس» و «خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» یک رباعی به نام «ادیب صابر»، شاعر قرن ششم هجری قمری، آورده شده است که به شاعر معاصرش، «عمادی شهریاری» نیز منسوب است که معلوم می‌شود که شاعر ما در سرودن رباعی فوق تحت تأثیر رباعی شاعران یاد شده بود. متن آن رباعی چنین است:

«امشب منم و شمع و می یار ای شب
تعییل مکن به صبح، زنهار ای شب
صد شب ز تو، خفته‌ام به تیمار ای شب
یک شب، دل عاشقان نگه دار ای شب» (۴۷)

رباعی پانزدهم

این رباعی هر چند به شماره‌ی ۱۱۶۱ در نمط اول با نام «در حُسن و جمال» از باب یازدهم با عنوان «در اوصاف و افعال معشوق» آمده بود و می‌بایست ششمین رباعی معرفی می‌شد، اما چون در رساله‌ی «خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» و باب بیست و دوم آن با عنوان «در وصف روی معشوق» و با شماره‌ی ۲۲۰ و به «عبدالواسع جبلی» منسوب بود و در دیوان او هم آمده (۴۸) و علاوه بر این، در کتاب «لمعة‌السراج لحضرة‌التاج» که تحریری از «بختیارنامه» است هم به عنوان شاهد و بدون ذکر قایل آن آمده است، (۴۹) و در منبع متأخری چون «عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین» نیز به «ابوسعید ابوالخیر» منسوب است، (۵۰) پس یک رباعی نسبتاً سرگردان محسوب می‌شود و ما نیز آن را در ردیف آخر و پانزدهم آوردیم. از طرفی تنها رباعی انتسابی به «صدرالدین زنجانی» است که هر چهار مصراع آن هم‌قافیه است و معمولاً وجود چنین رباعی‌هایی در قرن هفتم نادر است. بنابراین با توجه به اشارات فوق نمی‌تواند از وی باشد و به قطع یا از



همان «عبدالواسع جبلی» است و یا به احتمال بسیار ضعیف از «ابوسعید ابوالخیر». رباعی مذکور چنین است:

«نقاش رُخت، ز طعنه‌ها آسوده است
 کز صنعت خود، هرچه توان بنموده است
 سر تا پایت، چنان که باید بوده است
 گویی که کسی به آرزو فرموده است». (۵۱)

البته باز باید بررسی شود که آیا این رباعی‌های پانزده‌گانه به شاعران دیگری منسوب است یا خیر؟ که آن فرصت دیگری می‌طلبد. اما در پایان لازم به ذکر است که در ستایش «صدرالدین زنجانی» اشعاری پراکنده‌ای در قالب‌های مختلف آمده است که در برخی از پژوهش‌های یاد شده در سطور پیشین به آن ابیات اشاره شده است. در این نوشتار تنها به نقل یک رباعی که در شأن شاعر ما سروده شده است، به دلیل رباعی بودنش، اکتفا می‌شود که در تاریخ و صاف آمده است:

«با صدر جهان فلک چو دمساز آمد
 شهباز سعادتش به پرواز آمد
 تا تهنیت روز و مه و سال کند
 اقبال ز در، صلح کُنان باز آمد». (۵۲)

در کتاب «سیر رباعی» یک رباعی آورده شده است که در روی یک صُراحی نوشته شده است که دهانه‌ی آن شبیه سر خروس است و همین رباعی در ظروف دیگر نیز نگاشته شده است. که در آن کلمه‌ی «صدر جهان» ذکر شده ولی نمی‌دانیم مخاطب شاعر واقعاً چه کسی است. در زیر رباعی مورد نظر نیز آورده می‌شود:

«هموار تو را دولت و عز افزون باد
 اقبال تو بگذشته ز حد بیرون باد
 تا هر چه از این خروس به کام تو رسد
 ای صدرجهان تو را به جان افزون باد».

در مصراع سوم رباعی فوق «خروس» به معنی «صُراحی می» است که مختل وزن است و به جای آن کلمه در ظروف دیگر کلماتی مانند «کاسه» و «طاس» و «جام» و «سبد» و «قدح» و «صحن» و «طبق» به کار رفته است. در آن کتاب به تاریخ ساخت ظروف اشاره نشده است. باید



بررسی شود که تاریخ ساخت این ظروف قبل از دوره‌ی ایلخانی است یا نه تا متوجه شویم که این «صدرجهان» آیا شاعر مورد نظر ماست؟ (۵۳) باید اشاره کنیم که لقب «صدر جهان» برای رجال دیگری از جمله به «صدرالدین عبداللطیف خجندی» و تعدادی از رجال بعد از قرن هفتم هجری اعطا شده بود.

رباعی‌های باقی مانده از شاعران همشهری معاصر «صدرالدین زنجانی»:

همان گونه که در سطور بالا قید شد، به هر کدام از سه شاعر زنجانی معاصر «صدرالدین»، یک رباعی منسوب است که در سطور ذیل آن‌ها را می‌آوریم. لازم به یادآوری است که در اینجا شاعران صرفاً زنجانی آورده می‌شود نه شاعران منتسب به دیگر شهرهای امروزی استان «زنجان».

۱. **تاج زنگانی:** هیچ اطلاعی از زندگانی و آثار وی در دست نیست. تنها منبع همان «نزهةالمجالس» است. محققینی که از «صدر زنگانی» نامی برده بودند، «تاج زنگانی» را هم در کنارش آورده‌اند و نام او را «سعید نفیسی» جزء شاعران قرن هفتم ذکر کرده است و «محمدامین ریاحی» او را ناشناخته می‌داند. (۵۴) از تخلصش بر می‌آید که نام و لقب دینی‌اش «تاج‌الدین» بود و شاعران دیگری نیز با این تخلص در «نزهةالمجالس» ذکر شده است که به جاهای دیگری منسوب هستند. (۵۵) «کریم نیرومند» در اثر خویش از شخصی به نام «تاج‌الدین محمدبن ابراهیم» به نقل از «شیرازنامه» نام می‌برد که تا سال ۷۲۲ هجری قمری در قید حیات بود و دارای تألیفاتی در موضوع علم کلام و فقه است. (۵۶) احتمال این که وی همان «تاج زنگانی» شاعر باشد محال نیست. اما ضعیف است. مگر در صورتی که قبول کنیم تنها رباعی وی توسط نسّاخ و کاتب «نزهةالمجالس» افزوده شده باشد. یک رباعی از وی در نمط دوازدهم با نام «در بوسه دادن و نادادن» از باب یازدهم که عنوانش «در اوصاف و افعال معشوق» است، به شماره‌ی ۱۹۴۰ آمده و آن رباعی این است:

«تیر مژه‌ات، گره‌گشایی عجب است
وان ابرو و غمزه، دلربایی عجب است
سلطان لب‌ت، که گنج گوهر دارد
یک بوسه نمی‌دهد، گدایی عجب است». (۵۷)

۲. **قاضی بهاء‌الدین زنجانی:** شاعر و همشهری دیگر قرن هفتم هجری قمری که البته



بخش اعظم اشعار باقی مانده از وی، به شعرای دیگری هم منسوب است. از جمله این یک رباعی در «هفت اقلیم» به وی منسوب است. (۵۸) اما پیش از آن در «نزهةالمجالس»، به شماره‌ی ۲۶۷۲ در باب یازدهم با عنوان «در اوصاف و افعال معشوق» و نمط سی‌وهشتم آن باب که عنوانش «در خیال معشوق» است، به نام «عبدالرزاق» آمده که همان «جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی» است. هر چند که در دیوان چاپی او نیامده است. رباعی مذکور در زیر آورده می‌شود:

«دل رفت، که بود غمگساری آخر
تن رفت، که آمدی به کاری آخر
جان را بگذار، با خیال تو شبی
تشریف دهد، بود نثاری آخر». (۵۹)

۳. کمال‌الدین زنجانی: به این شاعر همشهری مربوط به قرن هفتم هجری قمری هم یک رباعی انتساب یافته است. رباعی مورد اشاره به شاعرانی چون «جمال‌الدین قزوینی» یا «جمال‌الدین ابهری» و در منابعی هم به «خیام نیشابوری» منسوب است. رباعی مورد اشاره این است:

«صبح است، بیا بر می‌گلرنگ ز نیم
وین شیشه‌ی نام و ننگ بر سنگ ز نیم
دست از امل دراز خود باز کشیم
در زلف نگار و حلقه‌ی چنگ ز نیم». (۶۰)

لازم به توضیح است که مطابق نقل «حمدالله مستوفی» در «تاریخ گزیده» این «کمال‌الدین زنجانی» مداح «صدرالدین زنجانی» یعنی شاعر مورد نظر ما بود اما ابیات و اشعاری از وی در این خصوص در دسترس نیست. (۶۱) همان طور که قبلاً اشاره شد وی نباید با «کمال‌الدین ابوشجاع زنجانی»، وزیر اواخر دوره‌ی سلجوقی، اشتباه شود.

نتیجه‌گیری

«صدرالدین زنگانی» مذکور در دو اثر «نزهةالمجالس» و «خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات» می‌تواند همان «صدر جهان زنجانی» وزیر دوره‌ی ایلخانی باشد، اما با باید منتظر منابع تازه یاب و جدیدتر بود تا بتوانیم صحت و سقم این فرضیه را دریابیم.



پاورقی و منبع شناسی و کتابشناسی:

در پاورقی‌های زیر آنچه مربوط به منابع اصلی و مهم است، حتی‌الإمكان به چاپ‌های مختلف و در دسترس ارجاع داده شد. بنابراین در این مقال علاوه بر حواشی فهرست منابع و کتابشناسی (هر چند ناقص) نیز آورده شده است.

(۱). پیش از این درباره‌ی این شاعر، نگارنده در زمستان ۱۳۹۳ مقاله‌ای در ویژه‌نامه‌ی «موج بیداری» منتشر کرد و اینجا نوشتار مفصل‌تر و بر اساس یافته‌های جدید و اصلاحات منتشر می‌شود. مشخصات مقاله‌ی قبلی در ذیل آورده می‌شود:

حسینعلی، حسن؛ «صدرالدین زنجانی»؛ پیشاهنگ رباعی در زنجان، ویژه‌نامه‌ی یازدهمین سال انتشار مطبوعه‌ی هفتگی «موج بیداری»، شماره‌ی ۲۹۰، زمستان ۱۳۹۳، زنجان، صص: ۴ الی ۹.

(۲). (وراوینی، سعدالدین؛ *مرزبان‌نامه*، به تصحیح و تحشیه‌ی: محمدبن عبدالوهاب قزوینی، نشرواقف گیب، ۱۹۰۹، لیدن، [چاپ افست نشر پیامبر اعظم، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳، تهران]، صص: ۳ و ۴.

: *مرزبان‌نامه*، به تصحیح و تحشیه‌ی: محمدبن عبدالوهاب قزوینی، کتابفروشی فروغی، چاپ سوّم، پاییز ۱۳۶۷، تهران، صص: ۳ و ۴.

: *مرزبان‌نامه*، مجلد اول، با مقابله و تصحیح: محمد روشن، نشر نو، چاپ دوّم، ۱۳۶۷، [چاپ سوّم (اول انتشارات اساطیر، ۱۳۷۶ و چاپ دوّم، ۱۳۹۴)، چاپ افست در یک مجلد]، تهران، ص: ۶.

: *مرزبان‌نامه*، (با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌ها و جمله‌های دشوار و تعیین محور اشعار تازی و پارسی و برخی نکته‌های دستوری و ادبی و امثال و حکم) به کوشش: دکتر خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ بیست‌ودوّم، تابستان ۱۳۹۳، چاپ بیست‌وسوّم، تابستان ۱۳۹۴، چاپ بیست‌وچهارم، زمستان ۱۳۹۶، چاپ بیست‌وپنجم، ۱۳۹۸، تهران، صص: ۱۱ و ۱۲.

: *مرزبان‌نامه*، مصحح: عزیزالله علیزاده، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، صص: ۱۰ و ۱۱.

: تصحیح و شرح *مرزبان‌نامه*، (بر اساس کهن‌ترین نسخه‌های به دست آمده همراه با مقدمه، شرح مشکلات، ترجمه‌های شعرها و عبارات‌های عربی و فهرست‌های چهل‌وسه‌گانه)، مصحح: عفت کرباسی و دکتر محمدرضا بزرگزخالقی، انتشارات زوّار، چاپ اول، ۱۳۹۸، تهران، صص: ۲ و ۳.

برای شرح زندگانی «زین‌الدین زنجانی» ر.ک به مقالات منتشر شده‌ی زیر:

حسینعلی، حسن؛ *زین‌الدین زنجانی یکی از ادیبان و سیاستمداران قرن ششم (زنجان در گذرگاه تاریخ)*، صفحه‌ی تاریخی، دو هفته‌نامه‌ی «شهاب زنجان»، سال دوّم، شماره‌ی دهم، یکشنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۷۵، زنجان، ص: ۳.



- ؛ بحث و تحقیق درباره‌ی احوال و آثار زین‌الدین زنجانی؛ ادیب و سیاستمدار قرن ششم هجری قمری، صفحه‌ی نگارستان ادب و هنر، هفته‌نامه‌ی «پیام زنگان»، سال نهم، شماره‌ی ۹۷، شماره‌ی مسلسل ۱۷۱، دوشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۷۵، زنگان، ص: ۴.
- ؛ تحقیق درباره‌ی احوال و آثار زین‌الدین زنجانی؛ ادیب و وزیر دوره‌ی سلجوقی، فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان»، سال اول، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۷۹، زنگان، صص: ۷۳ الی ۸۶.
- نیرومند، کریم؛ شرح زندگانی دانشمندان و روات - رجال لشگری و کشوری استان زنگان، انتشارات عود، چاپ اول، ۱۳۸۵، زنگان، صص: ۶۱۰ الی ۶۱۷.
- (۳). در خصوص وزیر مورد اشاره ر.ک به:
- نیرومند، کریم؛ کمال‌الدین ابوشجاع زنگانی معروف به تعجیلی(وزیر)، فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان»، شماره‌ی مسلسل ۱۲، زمستان ۱۳۸۱، زنگان، صص: ۱۷۳ الی ۱۸۰.
- ؛ شرح زندگانی دانشمندان ... ، صص: ۷۰۱ الی ۷۰۸.
- در خصوص «کمال‌الدین زنجانی»‌های دیگر ر.ک به:
- حسینعلی، حسن؛ کمال‌الدین زنجانی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری، بخش اول: شرح احوال و آثار، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۵۳ فصل‌نامه‌ی فرهنگی - پژوهشی «فرهنگ زنگان»، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۴ (پیاپی ۵۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، زنگان، صص: ۲۵۵.
- (۴). نیرومند، کریم؛ سخنوران و خطاطان زنگان، با همکاری کریم زعفری، مؤسسه‌ی مطبوعاتی زعفری، چاپ اول، ۱۳۴۷، زنگان، صص: ۱۹۲ و ۱۹۳.
- (۵). سلطانی، رامین؛ صدرالدین احمد خالدی زنجانی (صدر جهان)، فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان»، شماره‌ی مسلسل ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱، زنگان، صص: ۱۸۵ الی ۱۹۷.
- ؛ جستارهایی در تاریخ زنگان؛ انتشارات نیکان کتاب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹، زنگان، صص: ۷۷ الی ۹۱.
- (۶). حسنلو، حیدر؛ صدرالدین احمد خالدی زنجانی (صدر جهان)، فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان»، شماره‌ی مسلسل ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳، زنگان، صص: ۸۱ الی ۹۳.
- (۷). نیرومند، کریم؛ همان، صص: ۶۴۶ الی ۶۸۰.
- (۸). محمودی، علی؛ صدر جهان زنجانی مؤسس چاپ اسکناس در ایران، فصل‌نامه‌ی «فرهنگ زنگان»، شماره‌ی مسلسل ۲۷ و ۲۸، سال ۱۳۸۷، زنگان، صص: ۱۴۸ الی ۱۵۷.
- (۹). محمودی علی؛ وزارت در عهد ایلیخانان با تأکید بر وزارت صدر جهان زنجانی، انتشارات نیکان کتاب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۹، زنگان، صص: ۱۸۰ الی ۲۶۵.



(۱۰). خطیبی، بهمن؛ تاریخ خاندان خطیبی (زنجان)، نشر دانش زنجان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۱، زنجان، صص: ۳۱ الی ۷۸.

چاپ دوم این اثر با اصلاحات و افزوده‌های جدید توسط مؤلف در دست تدوین و نشر است.

(۱۱). نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد اول، کتابفروشی فروغی، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۴۴، تهران، صص: ۱۷۱.

(۱۲). دانش‌پژوه، محمدتقی؛ نزهةالمجالس، مجله‌ی ماهانه‌ی «راهنمای کتاب»، سال پانزدهم، شماره‌های ۷ و ۸ و ۹، مهر و آبان و آذر ۱۳۵۱، [چاپ افسست از انتشارات سخن، جلد پانزدهم، چاپ اول، ۱۳۸۸]، تهران، صص: ۵۷۹.

(۱۳). نزهةالمجالس شامل ۴۱۳۹ رباعی و هفده باب است. این کتاب دو بار با مشخصات کتابشناسی زیر منتشر شده است که با ارجاع صفحات مورد نظر در متن مقاله آورده است:

خلیل شروانی، جمال؛ نزهةالمجالس، تصحیح و مقدمه و حواشی و توضیحات: دکتر محمدامین ریاحی، انتشارات زوآر، چاپ اول، ۱۳۶۶، تهران، صص: ۸۱ و ۸۲.

خلیل شروانی، جمال؛ نزهةالمجالس (چهار هزار رباعی برگزیده از سیصد شاعر، لطیف‌ترین و معروف‌ترین رباعی‌های فارسی از قرن چهارم تا قرن هفتم)، به تصحیح و تحقیق و با مقدمه و شرح حال گویندگان و توضیحات و فهرست‌ها: دکتر محمدامین ریاحی، انتشارات علمی، چاپ دوم با تجدید نظر نهایی، ۱۳۷۵، تهران، صص: ۱۰۷ و ۱۰۸.

(۱۴). زعفری، کریم؛ صدر زنگانی (سیمای سخنوران زنجان)، نشریه‌ی «پیام زنجان»، سال هفتم (صحیح هشتم)، شماره‌ی ۵۴، شماره‌ی مسلسل: ۱۳۱، شنبه ۲ دی ماه ۱۳۷۴، زنجان، صص: ۵.

(۱۵). بیات، سعیدرضا؛ شمس سجاسی گنجینه‌ای در پس غبار سده‌ها، ماهنامه‌ی «کیهان فرهنگی»، سال هجدهم، شماره‌ی ۱۷۶، خرداد ۱۳۸۰، تهران، صص: ۲۲، ستون اول.

نگارنده به یاد دارم که ایشان یک سال قبل از نشر همین نوشتار در مجله‌ی فوق‌الذکر، آن را در هفته‌نامه‌ی «پیام زنجان» منتشر کرده بودند که فعلاً نتوانستم به شماره‌ی آن دسترسی پیدا کنم.

(۱۶). میرافضلی، سید علی؛ مقایسه‌ی رباعیات دو مجموعه‌ی کهن / نزهةالمجالس جمال خلیل شروانی و خلاصة‌الأشعار ابوالمجد تبریزی، فصل‌نامه‌ی نشر دانش، سال بیستم، شماره‌ی چهارم؟، شماره‌ی مسلسل ۱۱۰، زمستان ۱۳۸۰، صص: ۳۶ الی ۴۲.

(۱۷). ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد (فراهم آورنده، زنده در ۷۳۶ ه.ق)؛ خلاصة‌الأشعار فی الرباعیات، به کوشش: سید محمد عمادی حائری، رساله‌ی اول از مجموعه‌ی «گنجینه‌ی بهارستان»، شماره‌ی ۹ (ادبیات/شعر: ۲)، به کوشش: بهروز ایمانی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، تهران، صص: ۴۱.

۱۸). ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد؛ خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات و دیوان ملک محمود تبریزی، تصحیح و تحقیق: عزیز دولت‌آبادی، انتشارات ستوده، چاپ اول، ۱۳۸۷، تبریز، ص: ۲۳.

۱۹). بیات، سعیدرضا؛ زنجان در یک نگاه، نشریه‌ی «کتابه»، نشریه‌ی داخلی اداره‌ی کل کتابخانه‌های عمومی استان زنجان، ویژه‌نامه‌ی اولین جشنواره‌ی خیرین کتابخانه‌ساز استان زنجان، سال نهم، شماره‌ی ۲۶، شهریور ماه ۱۳۹۲، زنجان، ص: ۵.

۲۰). قمی‌نژاد، مهدی؛ نمایه‌ی سفینه‌ی تبریز، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲، تهران، ص: ۳۳۵.

۲۱). این رساله شامل پانصد رباعی از یکصد نوزده شاعر و در پنجاه باب است و یکصد و سی و سومین رساله در مجموعه‌ی «سفینه‌ی تبریز» محسوب می‌شود و مشخصات کتابشناسی چاپ‌های سه‌گانه‌ی این اثر در ذیل می‌آید:

ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد (گرد آورنده و خطاط)؛ خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات، بخشی از سفینه‌ی تبریز (تاریخ کتابت: ۳-۷۲۱ قمری)، چاپ عکسی از روی نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱، تهران، صص: ۵۹۳ الی ۶۱۲.

ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد (فراهم آورنده، زنده در ۷۳۶ ه.ق)؛ خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات، به کوشش: سید محمد عمادی حائری، رساله‌ی اول از مجموعه‌ی «گنجینه‌ی بهارستان»، شماره‌ی ۹ (ادبیات/شعر: ۲)، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، تهران، صص: ۲۷ الی ۱۶۹.

ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد؛ خلاصه‌الأشعار فی الرباعیات و دیوان ملک محمود تبریزی، تصحیح و تحقیق: عزیز دولت‌آبادی، انتشارات ستوده، چاپ اول، ۱۳۸۷، تبریز.

۲۲). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، صص: ۸۰ الی ۸۲. چاپ دوم، صص: ۱۰۶ الی ۱۰۸.

۲۳). مؤلف «نسائم‌الأسحار» در خصوص شاعری وی چنین آورده: «... طبعش به انشای اشعار پارسی إحياناً مؤاتات کردی». ر.ک به:

منشی کرمانی، ناصرالدین؛ نسائم‌الأسحار من لطائف الأخبار (در تاریخ وزراء)، به تصحیح و مقدمه و تعلیق: میر جلال‌الدین ارموی «محدث»، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۶۴، تهران، ص: ۱۱۰.

۲۴). در خصوص رساله‌ی «شرح قصیده‌ی احمد بن عبدالرزاق خالدی» و سایر آثاری که به «صدر جهان زنجانی» تقدیم شده است، ر.ک به: خطیبی، بهمن؛ همان، صص: ۶۲ الی ۶۴.

با دسترسی به نسخه‌ی خطی «شرح قصیده احمد بن عبدالرزاق خالدی» معلوم شد که مؤلف و شارح و مترجم قصیده شخصی به نام «مؤیدالدین صوفی» است که اثر خویش را به «صدر جهان زنجانی» تقدیم کرده است نه این که سراینده‌ی آن قصیده «صدرالدین زنجانی» باشد و همچنین بر اساس یافته‌های جدید، منظومه‌ی



«همایون‌نامه» اثر «زجاجی تبریزی» به «ملک صدرالدین تبریزی» و «شمس‌الدین محمد جوینی» تقدیم شده نه «صدرالدین زنجانی». بنابراین نظرات بنده در مقاله‌ی قبلی در خصوص این دو فقره باید اصلاح شود. آثاری که به «صدرالدین زنجانی» تقدیم شده و تاکنون به چاپ رسیده، در ذیل با مشخصات کتابشناسی آورده می‌شود: و صاف‌الحرصه، عبدالله ابن فضل‌الله ابن ابی‌نعیم شیرازی؛ بهارنامه، رساله‌ی دوم از مجموعه‌ی «میراث بهارستان»، دفتر دوم، تحقیق و تصحیح: علیرضا قوجه‌زاده، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، صص: ۱۱۹ الی ۱۶۲.

این رساله که نام اصلی‌اش «بديع‌الربيع» است، مجدداً همراه با رساله‌ی «حکایت نرد و شطرنج» که آن نیز به «صدرالدین زنجانی» تقدیم شده، منتشر شده است که مشخصات کتابشناسی آن به شرح ذیل است. البته باید سایر رساله‌های خطی «وصاف‌الحرصه» بررسی شود که آیا به «صدرجهان زنجانی» تقدیم شده یا کس دیگر: و صاف‌الحرصه، عبدالله ابن فضل‌الله ابن ابی‌نعیم شیرازی؛ رساله‌های بديع‌الربيع - حکایت نرد و شطرنج، تحقیق و تصحیح: دکتر علیرضا قوجه‌زاده، نشر تمثال، چاپ اول، ۱۳۹۶، تهران.

یمنی، ابوسعید بن یحیی؛ آئینه‌ی جهان‌نما و طلسم‌گنج‌گشا، تصحیح و تحقیق: دکتر محمدرضا موحدی و الهه ربیعی مزرعه‌شاهی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰، تهران. یکی دیگر از کتاب‌های تقدیمی به «صدرالدین زنجانی» کتابی به نام «المرشد فی الحساب» است که بخشی از آن یعنی مصطلحات دانش استیفا به مشخصات ذیل چاپ شده است:

ایرانی، نفیسه و صفری‌آق‌قلعه، علی؛ کهن‌ترین فرهنگ‌نامه‌ی فارسی دانش استیفا/تصحیح و تحلیل بخش لغات و مصطلحات المرشد فی الحساب، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۹۵، تهران. لازم به ذکر است که متن کتاب «شرح قصیده‌ی مؤیدالدین صوفی به اهتمام نگارنده و آقای «بهمن خطیبی» در دست تصحیح و نشر است و قرار بود که کتاب «المرشد فی الحساب» به صورت عکسی توسط «علی صفری‌آق‌قلعه» به صورت عکسی منتشر شود که تاکنون منتشر نشده است. همچنین مجلدات منظومه‌ی «همایون‌نامه» اثر «زجاجی تبریزی» که قبلاً تصوّر می‌رفت به «صدرالدین زنجانی» تقدیم شده، با مشخصات ذیل تصحیح و نشر شده است:

زجاجی تبریزی، حکیم؛ همایون‌نامه، نیمه‌ی نخست مجلد یکم و دوم، تصحیح: علی پیرنیا، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۹۰، تهران.

زجاجی تبریزی، حکیم؛ همایون‌نامه، نیمه‌ی دوم مجلد یکم و دوم (جداگانه)، تصحیح: علی پیرنیا، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۸۳، تهران.

(۲۵). نام تعدادی از وزیران به عنوان سراینده‌گان رباعی، در تاریخ ادبیات فارسی آمده است. چه بسا نسبت برخی از این رباعی‌ها به آنان صحیح نباشد.



(۲۶). دکتر «حیدر حسنلو» به نگارنده خاطر نشان ساخت که چنین رباعی‌هایی می‌تواند از ناحیه‌ی صوفیان خطاب به پادشاهان سروده شود که نظر ایشان نیز می‌تواند صحیح باشد.

(۲۷). زعفری، کریم؛ همان.

عین جمله‌ی ایشان چنین است: «صدر زنگانی هیچ قرابت و ارتباطی با صدرالدین احمد خالدی زنجانی معروف به صدر جهان ... ندارد».

(۲۸). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، صص: ۴۷ و ۴۸. چاپ دوم، صص: ۶۲ و ۶۳.

(۲۹). در خصوص منشاء رباعی می‌توان به کتاب «سیر رباعی» اثر دکتر «سیروس شمیسا» رجوع کرد. با توجه به این که کتاب مذکور سه نوبت و با تجدید نظر و اصلاحات دوباره چاپ شده است، در ذیل مشخصات کتابشناسی هر کدام آورده می‌شود، با ارجاع به صفحات هر کدام:

شمیسا، سیروس؛ سیر رباعی در شعر فارسی (به ضمیمه‌ی اجمالی در باب فلهوی)، انتشارات آشتیانی، چاپ اول، ۱۳۶۳، تهران، صص: ۲۱ الی ۲۹.

-----؛ سیر رباعی در شعر فارسی (با ضمیمه‌ی در باب فلهوی)، انتشارات فردوس، چاپ دوم با تجدید نظر، ۱۳۷۴، تهران، صص: ۲۵ الی ۳۸.

-----؛ سیر رباعی؛ چاپ سوم، نشر علم، ۱۳۸۷، تهران، صص: ۲۵ الی ۳۷.

(۳۰). ابن قیس الرازی، شمس‌الدین محمد؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد محمدتقی مدرس‌رضوی، به همت محمد رضانی صاحب کلاله‌ی خاور، چاپ اول، ۱۳۱۴، تهران، [چاپ افست، چاپ اول، نشر ذهن‌آویز، ۱۳۹۴، همراه با تعلیقات جلال‌الدین همایی، به کوشش ناصرالدین شاه‌حسینی]، صص: ۷۸ و ۱۳۱.

ابن قیس الرازی، شمس‌الدین محمد؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد محمدتقی مدرس‌رضوی، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۸۷، تهران، صص: ۱۰۵ و ۱۷۵.

ابن قیس الرازی، شمس‌الدین محمد؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۳، تهران، صص: ۱۱۳ و ۱۶۴.

این کتاب با تجدید نظر و با مشخصات زیر نیز منتشر شد:

ابن قیس الرازی، شمس‌الدین محمد؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح: علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد: استاد [محمدتقی] مدرس‌رضوی و تصحیح مجدد: دکتر سیروس شمیسا، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، صص: ۱۳۲ و ۱۹۶.

ثروتیان، بهروز؛ بازنویسی و نقد المعجم فی معاییر اشعار العجم (عروض و قافیه و بدیع به زبان ساده)، نشر تمثال، چاپ اول، ۱۳۹۸، تهران، پاورقی صفحات: ۸۸ و ۹۲.



- (۳۱). در خصوص مبحث «فهلویات زنجان» و اشارات مؤلف «المعجم»، نگارنده مطالبی را در شرح حال «اوتانج زنجانی» شاعر قرن هفتم خواهد آورد که در آینده منتشر می‌شود.
- (۳۲). عریان همدانی، بابا طاهر؛ دیوان شعر، استنساخ از متن مصحح مرحوم وحید دستگردی، مقدمه و خط به قلم اقلّ عباد منوچهر آدمیت، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، تهران، ص: ۴۲.
- (۳۳). خلیل شروانی، جمال، همان، چاپ اول، ص: ۱۱۵. چاپ دوم، ص: ۱۵۰.
- ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد؛ همان، چاپ عکسی، ص: ۵۹۴.
- همان، به تصحیح عمادی حائری، ص: ۵۶.
- همان، به تصحیح دولت آبادی، ص: ۴۳.
- (۳۴). خلیل شروانی، جمال؛ همان صفحات.
- (۳۵). اشرف، سید حسن غزنوی؛ دیوان، به تصحیح و مقدمه: استاد سید محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات اساطیر، چاپ دوم با تجدید نظر و اضافات، ۱۳۶۲، تهران، ص: ۶۲۲.
- خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، ص: ۵۶۷. چاپ دوم، ص: ۶۳۵.
- (۳۶). همان، چاپ اول، ص: ۲۱۸. چاپ دوم، ص: ۲۶۰.
- (۳۷). همان، چاپ اول، ص: ۵۵۳. چاپ دوم، ص: ۶۱۹.
- (۳۸). همان، چاپ اول، ص: ۲۳۷. چاپ دوم، ص: ۲۷۹.
- (۳۹). همان، همان صفحه.
- (۴۰). همان، چاپ اول، ص: ۳۲۰. چاپ دوم، ص: ۳۶۸.
- (۴۱). همان، چاپ اول، ص: ۳۳۴. چاپ دوم، ص: ۳۸۳.
- (۴۲). همان، چاپ اول، ص: ۳۷۵. چاپ دوم، ص: ۴۲۷.
- (۴۳). همان، چاپ اول، ص: ۳۹۱. چاپ دوم، ص: ۴۴۵.
- (۴۴). همان، چاپ اول، ص: ۴۹۱. چاپ دوم، ص: ۵۵۳.
- (۴۵). انوری، حکیم اوحدالدین؛ دیوان، با مقدمه و تصحیح و مقابله‌ی هشت نسخه به کوشش سعید نفیسی، چاپ دوم، بهمن ۱۳۵۶، انتشارات پیروز، تهران، ص: ۶۲۲.
- (۴۶). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، ص: ۴۹۴. چاپ دوم، ص: ۵۵۶.
- (۴۷). همان، چاپ اول، ص: ۴۹۲. چاپ دوم، ص: ۵۵۵.
- ابن مسعود تبریزی، ابوالمجد محمد؛ همان، چاپ عکسی، ص: ۵۹۷.



- همان، به تصحیح عمادی حائری، ص: ۷۳.
- همان، به تصحیح دولت‌آبادی، ص: ۵۸.
- (۴۸). همان، چاپ عکسی، ص: ۶۰۲.
- همان، به تصحیح عمادی حائری، ص: ۱۰۲.
- همان، به تصحیح دولت‌آبادی، ص: ۲۲۰.
- جبلی، عبدالواسع؛ دیوان، به اهتمام و تصحیح و تعلیق دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، تهران، ص: ۶۶۲.
- (۴۹). مؤلف نامعلوم؛ بختیارنامه (لمعة السراج لحضرة التاج)، به تصحیح و تحشیه‌ی دکتر محمد روشن، نشر گستره، چاپ دوم، زمستان ۱۳۶۷، تهران، ص: ۵۱.
- مرحوم دکتر «کامگار پارسی» این رباعی را به نقل از «راحة الأرواح» اثر «دقایقی مروزی» که تحریر دیگری از «بختیارنامه» است، در تألیف خویش آورده است. نگارنده متأسفانه موفق نشد به «راحت الأرواح» مذکور دست یابد. ر.ک. به:
- کامگار پارسی، محمد؛ رباعی و رباعی‌سرایان از آغاز تا قرن هشتم هجری، به کوشش دکتر اسماعیل حاکمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تیر ماه ۱۳۷۲، تهران، ص: ۱۷۷.
- (۵۰). نفیسی، سعید(گردآورنده)؛ سخنان منظوم ابوسعید ابی‌الخیر، انتشارات سنائی، چاپ ششم، ۱۳۷۶، تهران، ص: ۱۱. (رباعی شماره‌ی ۷۳)
- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد؛ تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، جلد اول (آ-الف)، مقدمه تصحیح و تحقیق: سید محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۸، تهران، ص: ۱۴۰.
- اوحدی حسینی دقاقی بلیانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد؛ عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، جلد اول (آ-الف)، تصحیح: ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹، تهران، ص: ۷۳.
- (۵۱). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، ص: ۲۵۷. چاپ دوم، ص: ۳۰۱.
- (۵۲). نیرومند، کریم؛ شرح زندگانی دانشمندان ...، ص: ۶۶۳. (به نقل از تاریخ و صاف)
- همچنین این رباعی نیز در منبع زیر و ذیل شرح حال «صدر جهان زنجانی» آمده است:
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین؛ دستورالوزراء (شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان)، با تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، چاپ دوم، ۱۳۵۵، تهران، ص: ۳۱۲.
- یکی از این اشعار، قصیده‌ی لامیه‌ی عربی «مؤیدالدین صوفی» است که با ترجمه و شرح خود مؤلف به «صدرالدین



زنجانی «تقدیم شده است. همان طور که قبلاً اشاره شد، متن قصیده اشتباهاً به «صدرالدین زنجانی» منسوب شده، اما با به دست آمدن نسخه‌ی خطی آن معلوم شد، چنین نیست و سراینده و مترجم و شارح آن همان «مؤیدالدین صوفی» است.

(۵۳). شمیسا، دکتر سیروس؛ همان، چاپ دوم، ص: ۲۹۹. چاپ سوم، ص: ۲۷۲.

در چاپ اول کتاب مورد اشاره، چنین بحثی نیست.

(۵۴). نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر ...، ص: ۱۷۸.

(۵۵). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، صص: ۶۳ و ۶۴. چاپ دوم، صص: ۸۲ الی ۸۴.

(۵۶). نیرومند، کریم؛ شرح زندگانی دانشمندان ...، صص: ۴۲۵ و ۴۲۶.

(۵۷). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، ص: ۳۴۷. چاپ دوم، ص: ۳۹۷.

(۵۸). رازی، امین احمد؛ تذکره‌ی هفت اقلیم، جلد سوم، با تصحیح و تعلیق جواد فاضل، انتشارات علمی و ادبیّه، چاپ اول، بی‌تا، تهران، ص: ۱۹۸.

-----؛ تذکره‌ی هفت اقلیم، جلد دوم، تصحیح، تعلیقات و حواشی: سید محمدرضا طاهری «حسرت»، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۸، (چاپ دوم ۱۳۸۹)، تهران، ص: ۱۳۶۰.
در باره‌ی «قاضی بهاءالدین زنجانی» ر. ک به:

حسینعلی، حسن؛ «قاضی بهاءالدین زنجانی»؛ پیشقراول غزل در زنگان، ویژه‌نامه‌ی ادبی «موج بیداری»، به مناسبت روز ملی شعر و ادب فارسی، ضمیمه‌ی نمره‌ی ۲۱۹، مهر ماه ۱۳۹۰، زنگان، صص: ۴ الی ۵.

(۵۹). خلیل شروانی، جمال؛ همان، چاپ اول، ص: ۴۳۵. چاپ دوم، ص: ۴۹۲.

(۶۰). انتساب این رباعی به «کمال‌الدین زنجانی» را اول بار در اثر استاد «کریم نیرومند» دیده‌ام و منبع اصلی آن مشخص نشده است:

نیرومند، کریم؛ سخنوران و خطاطان زنگان ...، ص: ۲۹۹.

«بهمن خطیبی» نیز در اثر خویش رباعی مذکور را به نام «کمال‌الدین زنجانی» آورده و در پاورقی هم به کتاب «فرهنگ سخنوران» اثر دکتر «عبدالرسول خیامپور» استناد کرده است. اما نگارنده با مراجعه به آن کتاب در ذیل شرح حال «کمال‌الدین زنجانی»، رباعی فوق را ندیدم. ر. ک به:

خطیبی، بهمن؛ همان، ص: ۶۴.

بر اساس یافته‌های بعدی معلوم شد که در هیچ منبعی این رباعی به «کمال‌الدین زنجانی» منسوب نشده و این سهو از سوی مرحوم «کریم نیرومند» صورت گرفته و منبع آقای «بهمن خطیبی» نیز همان اثر مرحوم «نیرومند» است.



(۶۱). مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر؛ تاریخ گزیده؛ با مقابله با چندین نسخه به ضمیمه‌ی فهرس و حواشی؛ دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴ (چاپ پنجم ۱۳۸۷ و چاپ ششم ۱۳۹۴)، تهران، ص: ۷۴۷.

لازم به ذکر است که در تصحیح جدید «تاریخ گزیده» نام وی به صورت «کمال‌الدین اسماعیل زنجانی» قید شده که می‌باید اشتباه مصحح و یا نسخ نسخه‌ی اساس باشد. ر. ک به:

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر؛ تاریخ گزیده، به تصحیح محمد روشن، جلد دوم، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص: ۷۸۵.

همچنین در نسخه‌ی چاپ عکسی از «تاریخ گزیده» که با مشخصات زیر منتشر شده، نام «کمال‌الدین زنجانی» نیامده است.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر؛ تاریخ گزیده، چاپ عکسی نسخه‌ی ۸۵۷ هجری، به سعی و اهتمام: ادوارد برون انگلیسی، لیدن هلند، ۱۹۱۰ میلادی، [چاپ افست، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۱، تهران.]

اضافه می‌کنم که در میان اشعار تازه یافته شده از «کمال‌الدین زنجانی» قصیده‌ای با مطلع:

«زهی سعادت و اقبال و نیک‌حالی دل که آفتاب رُخت تافت بر حوالی دل»

وجود دارد که نام ممدوح به صراحت نیامده، اما در وزیر بودن وی جای هیچ شک نیست. شاید ممدوح وی همین «صدرالدین زنجانی» باشد. ر. ک به:

منبع دوم در سطر پایین، صص: ۲۶۷ الی ۲۶۸ و ۲۸۱ الی ۲۸۲.

درباره‌ی «کمال‌الدین زنجانی» ر. ک. به:

حسینعلی، حسن؛ «کمال‌الدین زنجانی»؛ طلایه‌دار قصیده در زنگان، ویژه‌نامه‌ی دهمین سالروز انتشار مطبوعه‌ی هفتگی «موج بیداری»، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۲۴۵، زمستان ۱۳۹۱، زنگان، صص: ۴ الی ۵ و ۶۵.

----- ؛ کمال‌الدین زنجانی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری، بخش اول: شرح احوال و آثار، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۵۳ فصل‌نامه‌ی فرهنگی - پژوهشی «فرهنگ زنگان»، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۴ (پیاپی ۵۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، زنگان، صص: ۲۵۳ الی ۳۱۰.

----- ؛ کمال‌الدین زنجانی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری، بخش دوم: نصوص منابع، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۵۴ فصل‌نامه‌ی فرهنگی - پژوهشی «فرهنگ زنگان»، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۵ (پیاپی ۵۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، زنگان، صص: ۲۲۱ الی ۲۸۶.